



25 آگست 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

مجموعه ارشادات و بیانات شاه امان الله غازی

حین لویه جرگه 1303

به مناسبت نود و نهمین سالگرد استقلال کشور
(قسمت نهم)

نظریات و مشاورت لویه جرگه در مسایل داخلی

جلسه روز پنجشنبه 2 اسد قبل از ظهر

برهان الدین کشکی سردسته کاتبان رویداد که وظیفه داشتند گفتار هریک را به قید قلم آورند و شرح رویداد لویه جرگه محصول زحمات همین تیم و به اهتمام برهان الدین کشکی صورت گرفت، می نویسد: "بعد از اتمام این مذاکره منشی مجلس آغاز بقرائت نظامنامه نفوس کرده حضار به یاد داشت نویسی گذارشات و اعتراضات خود می پرداختند. بعد ختم قرائت نظامنامه اعلیحضرت همایونی به پاخواسته نطق نهایت مفصل و دلچسپ از حد رقت آور غرائی را ایراد فرمودند که ما مطالب عمده آنرا تا جائیکه بیاد دارم در ذیل مینویسم ."

اعلیحضرت (در بیانیه مبسوط و مشروح خود در باره توجه به مسائل نظامی و تعلیم و تربیه افراد اردو) **فرمودند:** «خدمت نظامی یک خدمت بسیار بزرگ و مقدس است، زیرا که عسکر برای تحفظ دین و ملت و مملکت و نگهداشت شرف و ناموس شما سر بازی میکند. عسکر است که برای بدست آوردن و حصول حقوق سیاسی و اقتصادی و سائر منافع ملی دولتی تان از دشمنان خارجه و داخله قطرات خون خود را نثار میکند. کسانیکه در خدمات نظامی گران جانی میکنند و یا از آن پهلو تهی مینمایند، قرار عقیده مذهبی و مقررات دینی عالم اسلامی گویا از جنت می گریزد. (الجنة تحت ظلال السيوف) ای ملت عزیزم! حکومت ابداً از وزیر و وکیل تشکیل نمی یابد، حکومت را حکومت حقیقی بریق و لمعان [درخشیدن] سر نیزه ها همی نماید.

اگر شما بگوئید که تعلیمات عسکری برای عموم ملت افغانی لازم نیست، درین خیال خود شما سهو کرده اید، زیرا در صورتیکه شما از مسائل جنگ و استعمال اسلحه موجوده و آلات رقم جدیده معلومات نداشته باشید، نه تنها بمقابل دشمنان خویش خجالت و منفعل میشوید بلکه هر چند که شجاع و دلیر و و طنخواه باشید، باز هم بقوای ناریه و اسلحه ممکن نیست که تا چندی مقابله کنید و مغلوب و پریشان نشوید.

اعلیحضرت در ادامه افزودند: « اکثری از رجال ملت ما میگویند که ما بار بار دشمنان خود را خوار و زبون نموده بیک حالت زار از مملکت خود بیرون کشیده ایم و اگر باز خدا نا خواسته همچنین دست تطاول اغیار بر مملکت ما دراز شود، همانا که مکرراً بکیفر کردار رسانیده خواهد شد. بلی آقا! قول و دعوی شما درست است. اما و اسفا آن وقایع را کاملاً فراموش خاطر نموده اید که بار بار دشمنان تانرا بحالت زبون و زار نه یکبار و دو بار بلکه بار ها با لشکر از پشت افکنده بر سینۀ او نشسته اید.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولۍ

لاکن بجای اینکه این فرصت را غنیمت شمرده مدعی را دفعاً بکیفر کردارش رسانیده حواله دارالبوار و تحیل نارش مینمودید، چون از تعلیمات نظامی و اصول عسکری و امورات حربی بیخبر بودید، برین ضعف موهومۀ دشمن فریفته شده او را گذارده در عقب غله و دیگر حوائج معموله خود رهسپار مقامات خود گردیده اید. دشمن ازین مسائله و نادانی تان در آن موقعیکه بایستی نام و نشانی از او نمی بود بمقابله تان کامیاب شده از دست تان زنده جانبر شده است.

دیگر اینکه: آیا شما دشمن خود ها را در کدامین موقع مغلوب و منهزم نموده اید؟ آیا شما بر وی تعرض برده اید و یا عدوی تانرا در خاک خود عقب نشانیده اید؟ و یا اینکه دشمن داخل خاک پاک مملکت عزیز تان گردیده، مقامات مهم را از نزد شما تحت تصرف آورده است و بعد بمال ناموس و جان و آئین و دین تان دست تعصب پرستش را دراز کرده است شما بمقابله مشتئی که از وی بر پشت خورده اید، بالمقابل لگد تانرا بر سرش حواله کرده اید؟

دیگر اینکه: خودتان دعوی دارید که ما « بار بار دشمن را مغلوب و مقهور و مخذول کرده ایم ». آقا در نتیجه این شکست و انهزامی که بار بار بدشمن داده اید، آیا کدام بالشت خاکش را هم تحت تصرف آورده اید؟ و یا چیزی فائده مادی و معنوی را هم حائز شده اید؟ بالاخر یک قریه و قشلاق مقامی را از جمله آن ایالات و ولایاتی که دشمنان از شما یکی بعد دیگری گرفته تحت تصرف مغبوضه خویش در آورده اند، هم گرفته اید و یا صرف همین قدر کرده اید که دشمن را از گلیم و فرش زیر پای و از خانه و کوچه خودها در حالیکه در دل و جان و جگرتان پا نهاده چشمهای تانرا کور مینمود، بیرون کشیده اید؟ وبس .

علیحضرت (در باره اعاده استقلال کشور و مساعی شان در این زمینه) **در ادامه فرمودند:** «این استقلال را خداوند بفضل و عنایت خود عطا کرده و باز در عالم اسباب از تشویقات و ترغیبات من عاجز شما او را نائل آمده اید و الا نه شما از این مسئله خبر بودید و نه زمام داران سابق بر فوائد شخصی خود بشما اطلاع این امر را میداد که افغانستان زیر حمایه انگلیس است. اگر خداوند سلطنت را بمن عاجز ارزانی نمیکرد، اغلباً این زهر قاتل را ملت مظلوم ما تا پنجاه سال دیگر به توهم نوشدارو تناول میکردند. بعد از اینکه اثرات اغیار در عرق و شرابین شان کارگرمیشد، باز اگر چه خبر دار میشدند اما آن اطلاع مانند جو زیر کوتل سودی نه بخشیده همه سعی و کوشش و مساعی که در راه استخلاص خود میکردیم، بفحواى مشتئی که بعد جنگ بیاد آید، بکله خود باید زد، کارگر نمیشد.

ملت عزیزم ! دشمنان ما و شما بخوبی میدانند و می فهمند و تجربه های سابقه و اوراق مجلی تاریخیه بدانها یادمانی میکند که ملت افغانرا ما بزور سر نیزه و قوای نظامی خود مرعوب کرده نمیتوانیم. از این رو منبعد از این، کوشش و سعی که داشته باشند از رهگذر سیاست و دسیسه و نفاق افگنی و شقاق آفرینی و تولید مشکلات و موانعات برای ترقیات حکومت و ملت و سلطنت ما کار میگیرند. لهذا لازم آمد که برای اندفاع این مشکلات و ارتفاع این موانع قوای بسیار منتظم و مکمل و ماهر بفنون حاضرۀ حرب برای هر وقت هر زمان حاضر و آماده داشته باشیم. دشمن بر ملاء نمیتواند که با ما و شما مقابل شود، هر چه که بخواهد بر علیه ما زیر جال سیاست پرده های مخادعت [خدعه] کردنی است. پس باید ما هم برای سد باب سیاست و دفع خیانت شان سر نیزه های بسیار درخشان شجاعت و شمشیر های بیشمار جسارت بنیان حماسه را حاضر و آماده داشته باشیم.

اندکی تأمل کنید و وقت را بکار ببرید از زمانیکه شما ملت افغانستان بخدمات نظامی و عالم عسکری دلچسپی خود تانرا در تناقص گذاشته به نظام اندک اندک داخل میشوید، از همان روز رقبۀ وسعت

افغانستان روز بروز کاسته شده ، سرحدات و مواضع مدافعه او کسب زیادت و اتساع نموده می‌رود. فکر کنید بدین اندازه هنگفت سرحداتی که افغانستان با دول همجوار دارد و محض برای تحفظ آن بدون عملیات جارحانه چقدر عسکر لزوم دارد و باز در مورد محاربه درین نقاط بکدام پیمانانه سرباز در کار است. »

اعلیحضرت فرمودند: « امروز کم از کم برای افغانستان بودن پنج لک نفر سر باز مسلح در کار است. اگر حکومت این عسکر را بطور خوش رضا بگیرد و باز در تحویل لوازمات و ضروریات آن برآید، معلوم است که خزانه دولت متحمل آن حسب خاطر خواه شده نمیتواند، حتی اگر همین یک لک سرباز را که فعلاً ما و شما وجود آنرا در همه حال بدولت ضروری میدانیم، بطور خوش رضا بگیریم کم از کم به چهل روپیه ماهانه فراهم خواهند شد. بدیهی است که اداره نمودن همین نفری بدین مخارج گزاف نیز خالی از اشکال نیست. پس لازم آمد که افغانستان نیز همان طریقه را که امروزه در تمام دول عالم و ملل بنی آدم در استجلاب سربازان مروج و معمول است، بکار برد. چنانچه امروز دولت معظم ترکیه بهمین اصول عسکر دارد و ملت جرمن نیز برای احضار عسکر همین طریقه را مرعی میدارد و دیگر دولت های کوچک که ملت شان اندک است، نیز همین مسلک را تعقیب میکنند. فوائد اخذ عسکر بدین اصول حسب و ترتیب و نوبت بسیار است، منجمله آن قلت مخارج دولت و نظامی شدن تمام ملت است که حسب موقع و لزوم دفعتاً حکومت میتواند که تمام ملت خود را تحت سلاح آورد و با دشمن بجنگد .

چنانچه بهمه شما معلوم است که درین نزدیکها دو مراتبه حکومت تان از این اصول مفید مستفید گشته است و از تمام ملت همدرد وشجاع خود که قبلاً تعلیمات نظامی خودها را حسب قرعه و نوبت خود تکمیل کرده بخانه های خود رفته بودند، اردو های منتظم و فرقه های ملکی را تنظیم و ترتیب داد: (۱) در محاربه استقلال سنه (۱۲۹۷) (۲) در واقعه حاضر سمت جنوبی و اگر همین اصول نفوس از زمان سابق والی الان در افغانستان ترویج نمی یافت و عموم ملت به تعلیمات نظامی کسب معلومات نمی نمودند، پس آیا در محاربات همان ملت باز در عقب غله یا در پس سر پرستی عائله و یا بمتابعت فلان خان نمیرفتند و مفت و رایگان حریف خود را بر خود غالب و کامیاب نمی نمودند. مردیکه باصول عسکری آشنا شود و در تعلیمات آن فهمیده و دانا باشد، خودش کی در موقع محاربه و خیر ورود خصم بخاک مملکتش میتواند که بخانه بنشیند و بنظام شامل نشده خدمتی را انجام ندهد . بالعکس مرد نا بلد و بی تجربه با اینکه قرار اوامر شریعت و اسلامیت و وجدان خود در محاذ جنگ شامل شود، بعد از مکث قلیل در عقب عایله و فامیل خود رفته میدان را خالی میگذارد.

تا حال در نظام، بعضی تعلیمات غیرمفید بوده برای ترقیه حیات آتیه و آرامی و آسوده گی آینده نظام چیزی سنجیده نشده بود، از این رو اکثری از عسکر بعد از اینکه میعاد خدمت شانرا تکمیل مینمودند، بخانه خود رفته بیکار و بی کسب و معطل میماندند. اکنون در نظر داریم که تعلیمات غیرمفید مانند اجه پک، تندی پک، زیرزد و غیره اشیا را موقوف داشته صرف تمام تعلیم نظامی را موقوف به نشان زدن و شجاعت، تحویل و تبدیل داده بعوض آن تعلیمات مفیده دیگر مانند اصول زراعت طریق اکتساب عسل از زنبور، صورت گرفتن ابریشم از تخم پبله و یاد گرفتن خواندن و نوشتن را بطرز جدید و امثال آن برای عسکری در مدت اقامت شان در قشله عسکری، نشان داده میشود تا بعد از اختتام موعد خدمت خود نه تنها صاحب کمال و دانسته باشند، بلکه نمونه خوب و استاد مرغوب اهل قریه خود در این اصولها بوده باشند.

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

چنانچه فعلاً ما این اصول را در قطعه ارگ ترویج داده ایم ، اگر خواهشمند باشید اینک یک نفر سپاهی را از میان این سپاهیهها که حاضرند، خواسته از وی در خواندن و نوشتن سؤال کنید. خلص اینکه اصولی را که حکومت سابقه و حاضره تان در اخذ عسکر از افراد ملت گذرانده است، بسیار خوب و وجود آن از حد ضروری بوده است.

اعلیحضرت تأکید فرمودند که: « ضرور بایستی که تمام افراد ملت بدون استثناء خان و ملک و کد خدا و غریب از عمر (۲۲) ساله الی (۲۷) ساله، اگر ضرورت افتاد بالا تر از آن تامیعام معینه داخل سلک عسکری شده بعد از تکمیل میعاد خدمت خود و سپس بخانه خود مراجعت کرده عوض او دیگری جلب میشود. اصول و قواعدی که برای اشخاص بیگس و معیوب و مفروز و غیره گذارده شده، سراسر مبنی بر انصاف است. من عاجز فکری که داشتم و کوششی که از زمان شهزاده گی خود الی الان در اصلاحات نفوس نموده ام، همین است که بصورت موجوده جریان دارد، زیرا که در موقع ضرورت تمام ملت ما عسکری شده در میدان محاربه مانند ترکیه و جرمنی و دیگر دولیکه این اصول را تعقیب میکنند، حاضر شده کار میکنند. اگر شما حضار لویه جرگه این اصول را قبول دارید و الا اگر کدام طریقه و اصولی بهتر ازین در نظر دارید، نیز بفرمائید تا در آن دقت شود.»

اعلیحضرت (در برابر احساسات مثبت و هم گاهی منفی وکلاء) **فرمودند:** «کلا و حاشا! که من ابداً این کلمات را تعریضاً و یا شکایتاً نگفته ام. بلکه مقصدم از این بیانات صرف مزید اهمیت عسکر و لزوم نظام بدین اصول حاضره داناندن و ذهن نشین نمودن تان بود و بس، زیرا خودم میدانم که ملت شجاع افغانستان طبعاً جهاد را دوست دارند و خدمت نظامی را عیناً اعتلای کلمه الله می انگارند و از اعطای نظام و تحمل همه گونه تکالیف آن بقدر یکسر مو تخلف و تجاوز نمی نمایند و این اساسی را که حکومت مقرر داشته است، تماماً بنظر قبول می نگرند. غرض و مقصودم اینست که شمایان مواد اساسی نظامنامه نفوس را تماماً بکمال شوق قبول دارید، آیا فروع او را نیز همچنان تأیید میکنید و یا در آن چیزی بحث کردن را آرزو داشته میخواهید که آن فروع بکدام طرز دیگر مقرر شود.»

یکعده از وکلای قندهار بعد از ختم کلام فوق اعلیحضرت برپا شده هر کدام شان حسب نوبه برین نظریه که اخذ نظام باصول قومی باشد، بیان دلایل و اظهارات مینمودند. اما اعلیحضرت غازی بدلائل ظاهر و اقوال باهر و نظریات خویش آنها را تسلیت و تشقی داده مضرات عسکر قومی را به آنها بخوبی تشریح و تفهیم کردند.

اعلیحضرت فرمودند: «ملت عزیزم! مرا شما خیر خواه خود میدانید! اساسی را که من برای منفعت شما طرح نموده یا مینمایم، هرگز از فائده شما خالی نمیشد. در آن اصول قومی بدیهی است که صاحبان غرض و دشمنان و خائنین اسلام اسباب نفاق و موجبات شقاق را بین شما تولید میکنند. علاوه بر آن در وقتیکه عسکر در ملک باصول قومی خود حواله شود، ملک و خوانین و صاحبان رسوخ از نادانی و اغراض پسندی خود فرزندان و برادران، عزیزان حتا آشنایان خود را بهر ذریعه ممکنه که باشد، از خدمت عسکری باز میدارند، عده پول میدهند، بعضی خود را در زمره سادات می شمارد و اشخاص خود ها را در جمع علماء محسوب میکنند. مقصد که بهزار حيله و بهانه خود ها را از نظام فارغ و ملت مظلوم و اشخاص عاجز و بی سبب و وسیله را در عسکری داخل میکنند و همین اشخاص بر قانون عدل و مساوات بنابر منافع شخصی خود خط بطلانرا کشیده برای ملت عاجز و حکومت از این اغراض پسندی خود مشکلات را تولید مینمایند. از طرف دیگر خدمتی که از عموم نظام گرفته میشود، از نظام قومی بعمل نمی آید، زیرا در مسلک باشرف عسکری مانند شجاعت، اطاعت و فرمان

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

برداری از ما فوق نیز حتمی و لزومی است. در صورتیکه یکدسته نظامی قومی باشد، کدام یک منصبدار حسب دلخواه از وی کار گرفته میتواند.

شخصیکه در باره قبولیت نظام قومی اصرار کند و یا این عرض را بالتکرار تذکر نماید، نه تنها تن من بلکه حضار او را نظر بدین تلمیحاتی که در فوق کرده شد، صاحب غرض می پنداریم. بلی! اگر عموم ملت و طبقه رنجبر و عاجزان مملکت حاضر شده رضا و تن دهی خود ها را در این طریقه قومی اظهار کنند، دولت نیز بااستماع این عرض آنها حاضر است. مگر من وکالتاً از طرف آنانیکه صدا و نداء آنها تا بحکومت رسیده نمیتواند و طبعاً تحت نفوذ و سلطه خوانین و مالکان و کلان شونده گان خود غرض منفعت پسند بوده بر خلاف میل و رضاء آنها گام بر نمیدارند و آب و طعام تناول نمی کنند، میگویم که اصول پاک و بی آلایش که در آن هیچ یک نوع دست بازی و رشوت خوری بعمل نیاید، همین اصول اخذ عسکری است که بقرعه و بدون ازین اصول ابداً ممکن نیست که بار اندازی نشود. آیا شما بخاطر ندارید که در زمانه سابق همین رساله شاهی که باصوول قومی بر شما مردم قندهاری حواله شده بود، تمام سکنه آنجا را بفرغان نیاورده بود و تا آنکه حکومت بقوه اجراییه خود آن مقصد را پیش نبرد در جمع آوری آن شما دوچار مشکلات و پریشانی نشده بودید؟»

اعلیحضرت تصریح کردند و فرمودند که: «مقصد از زیاد بدل عسکری از سه صد روپیه الی هفتصد روپیه جمع آوری ثروت و پول نبوده و نمیباشد، تنها میخواستیم تا مردم ازین خدمت سرا پا شرف پر مفخرت بواسطه تحویل نمودن پول، خود ها را محروم و خلاص نمایند، حتماً در نظام داخل شده بعد از فراغ تعلیم واپس بمقامات خود عودت کند تا در موقع لزوم و در حین محاربه چنانچه گفته شد، عموم ملت ما از فنون نظامی و امورحربی مستحضر بوده خار چشم دشمنان و سد آهنین بمقابل خواهشات اعدای مملکت شان افغانستان بوده باشند، زیرا ابداً دشمنان خود را بواسطه ثروت و هستی خود عقب نشانده نمیتوانم. حتی اگر ما تمام پل سیاسی خود را جمع کرده بر آنها بیفکنیم، اوشان متأثر نخواهند شد، اگر آنها (لاقدر الله) اراده کنند که مایانرا بزیر یک کوه طلا بکنند، البته برایشان آسان است و سهل، چیزیکه دشمنان ما را ناکامیاب و مقاصد سراپا مفاسد او شانرا خراب میکند، همانا حب اسلامی و قوه عسکری و شجاعت و دلیری ما ملت افغانی است.»

(ادامه دارد)